

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

۱. م. شیرینی
۰۷ مارچ ۲۰۱۹

ترویج تفکر تسلیم طلبانه بردگی به واسطه سایت "پیک ایران"

چند روزی پیش یکی از رفقاء پیوندی برایم فرستاد. در این پیوند مطلبی تحت عنوان "نفوذ روسیه در ارکان حکومت ایران؛ ایران زخمی و اسیر روسیه" (۱) "در سایت 'پیک ایران'" درج شده است.

پس از مرور آن "مطلب" که به طور مکرر علامت تأکید (!) در پایان جملات گذاشته، قبل از هر چیز، تأسف از هدر دادن چند دقیقه وقت برای خواندن آن و عبارت "جواب ابلهان خاموشی است" ذهن مرا مشغول کرد. کمی بعد، اما چند مسأله مرا به نوشتن یادداشت حاضر واداشت:

یکم، تجربه نشان داده است، که سکوت و خاموشی در مقابل ابلهان، همواره باعث گستاختر، بیحیاطتر و جرارتر شدن آنها گردیده است؛

دوم، مسأله فقط به خود ابلهان ختم نمی شود. چرا که آنها ولینعمتها و حامیان فکری-ایدئولوژیک، تبلیغی-ترویجی، (شاید هم مالی) زیادی دارند که در نشر و اشاعه چنین تفکرات ضد بشری، خلاف شأن و اخلاق و کرامت انسانی به ابلهان یاری می رسانند؛

سوم، بالاتر و مهمتر از همه عنوان خود "پیک ایران" است!

نسلهای بعد از کودتای آنگلوساکسونی ۲۸ مرداد [اسد] سال ۱۳۳۲ بخوبی به یاد دارند که در فضای خفقانی و استبدادی حاکم بر ایران که بعد از آن کودتای شوم توسط رژیم سلطنتی وابسته و اربابان ماواری اقیانوسی آن در کشور برقرار گردید، کار تشکیلاتی و ارتباطگیری با هر نوع تشکیلات مترقی غیرممکن بود و مساوی با زندان، شکنجه و مرگ! در چنین شرایطی رادیوی پیک ایران، که کمترین سنخیتی با سایت "پیک ایران" امروزی ندارد، چهار سال بعد از کودتا راه اندازی شد و در دوره بیست سال (۱۳۳۶-۱۳۵۵) کار و فعالیت خود، به چراغ راه و راهنمای هزاران هزار مبارز و انقلابی منفرد و به منشای تشکیل هسته های انقلابی توسط آنها تبدیل گردید؛ رادیوی پیک ایران به عنوان صدای رسای انقلابیون ایران، منبع و ملجاء رزمندگان و محل کسب رهنمودهای آنها بود! به طور کلی، پیک ایران یک آرم، یک پرچم و یک نشان جلودانه انقلابی و تولیدکننده ارزشهای مبارزاتی است. به همین دلیل، هیچ کس و یا هیچ جریانی به لحاظ اخلاق انسانی و سیاسی و همچنین، از حیث حقوقی حق ندارد با سوءاستفاده از نام و اعتبار والای پیک ایران به ارزشهای مبارزاتی و انقلابی آن دهن کجی نموده، ضد ارزشها را تحت همان عنوان به برخی اذهان حقنه نماید؛ به محل تبلیغ و ترویج تفکر تسلیم طلبانه بردگی از جنس ترهات احمد جلالپور تبدیل کند. بنابر این، لازم است گردانندگان

سایت "پیک ایران" هر چه سریعتر به این سوءاستفاده ناهنجار پایان داده، عنوان و شناسه خود را با مرام و ایدئولوژی خود مطابقت دهد. همچنان که سازمان (اکثریت) بعد از عبور از اهداف و آرمانهای آزادیخواهانه و عدالتطلبانه بنیانگذاران از جان گذشته جنبش فدائی، نام و عنوان خود را تغییر داد.

حال که با طرح مسائل فوق شروع کردیم، بد نیست نیم نگاهی نیز به نقطه نظرات جناب احمد جلالپور ببینازیم. ایشان در ابتدای "مقاله" خود مرقوم فرموده است: "فرض کنید ایرانیان همانطور که رشید پور به ظریف گفت بخواهند مثل دیگر مردمان دنیا راحت زندگی کنند. نفت و گاز و دیگر اقلام به همه جای دنیا صادر کنند و با اقتصاد آزاد و رفاه و آسایش، مردم در رفاه و بی دغدغه باشند. چه می شود؟ مثل مالزی، کوریا، تایوان، دبی، قطر و...؟" (۲).

این جناب نویسنده و همفکران او در سایت "پیک ایران" بعید نیست که خودشان را حامدانه به ندانستن این واقعیت آشکار زده باشند که ایران تا انقلاب سال ۵۷، یک کشور کاملاً مطیع، سر به راه و عزیز در دانه امپریالیسم بود و "نفت و گاز و دیگر اقلام به همه جای دنیا صادر می کرد". اما نه از اقتصاد آزادش خبری بود و نه از رفاه و آسایش عمومی اثری. بگذریم از این که خود عبارت "اقتصاد آزاد" مضحکه ای بیش نیست. در آن دوره فقر، بیکاری و بیخانمانی از در و دیوار "مردم" بالا می رفت و اساسی ترین دغدغه آنها نه تنها رفاه و آسایش، بلکه، آزادی، امنیت و فقدان استقلال سیاسی کشور بود. ناگفته روشن است که در ایران آن دوره همچون کشورهای مالزی، کوریا، تایوان، دبی، قطر و شمار زیادی از کشورهای دیگر امروزی که الگو و سمبل ایشان هستند، قدرت سیاسی و اقتصادی در دست یک رژیم استبدادی وابسته به مراکز امپریالیستی متمرکز بود و کشور به شیوه نواستعماری اداره می شد. از قضاء، فقر و مسکنت عمومی از یک سو و از سوی دیگر، نبود حاکمیت ملی و فقدان استقلال سیاسی کشور مهمترین فاکتورهائی بودند که باعث وقوع و پیروزی انقلاب بهمن [دلو] گردیدند.

جناب جلالپور ادامه می دهد: "دیگر نه با لبنان نه با یمن نه سوریه نه اسرائیل نه عربستان و دیگر جاها کاری نداشته باشند و در آنجا هزینه نکنند..."

یک کشور بی در دسر. بنابراین کشوری هم طبیعتاً با ایران کاری ندارد تا آن را تحریم کند یا بخواهد در آن اختلال ایجاد کند" (۳).

در این بخش نیز نویسنده اوج وقاحت خود را به نمایش گذاشته، به ترتیب اولی، حق امپریالیستهای امریکا و اروپا را که از آن سوی اقیانوسها به منطقه هجوم آورده، کشورهای تضعیف شده را به آشوب می کشند؛ اشغال، ویران و تجزیه می کنند؛ به قتلعام و نسلکشی ملتها و خلق دست می زنند؛ امواج میلیونی مهاجرت و فرار از خانه و کاشانه راه می اندازند؛ دارائیهای کشورها را به یغما می برند و هزینه جنگهای استعماری و میلیاردها دالر بودجه نگهداری نظامیان تروریست خود را به مستعمرات خود مانند عربستان، قطر، کوریای جنوبی و سایرین تحمیل می کند، به رسمیت می شناسد. اما حق ایران در کمکهای محدود به برخی کشورها را مردود می داند و آن را مایه "لردسر" اربابان ماواری اقیانوسی خود می پندارد. این برخورد دوگانه، هیچ مفهومی ندارد جز خوش رقصی و تسلیم طلبی برده در مقابل برده دار؛ جز ستایش زور؛ جز تملق، چاپلوسی و کرنش رعیت در مقابل ارباب!

آقای جلالپور در بخش دیگری از مرقوماتش به همفکران، حامیان و اربابان فکری خود از جمله به گردانندگان سایت "پیک ایران" مژده می دهد که ریشه "نافرمانی" ایران را شناسائی کرده است: "مشکل کجاست؟! چرا اینطور نشد؟! چرا به قول ظریف ما انتخاب کردیم طور دیگری زندگی کنیم؟! زندگی در درد و رنج و فلاکت و دغدغه؟! اصولاً ما کیست که برای ایرانیان تصمیم گرفته؟! ما!!!؟ همان کشور روسیه است" (۴)!!! و در ادامه، بدون ارائه هیچ سند و مدرک و با نشان دادن بی بهرگی خود از سواد سیاسی و حتی اطلاعات عمومی، با تکرار ناشیانه گفتن روسیه ستیزی

تاریخی غرب امپریالیستی، یکسری اراجیفی را در باره روسیه سر هم می کند که کمترین قرابت و سنخیتی با واقعیت ندارد. به این ترتیب او ثابت می کند که نه شناختی از استعمار و نواستعمار و امپریالیسم دارد و نه بهره ای از روابط بین کشورها، به خصوص روابط روسیه و ایران برده!

او همچون "آقایان جهان" روسیه را به همه گناهان متهم نموده، می نویسد: **"لذا روسیه در یک برنامه بلند مدت، به تدریج با نفوذ در ارکان حکومت اسلامی ایران و نقاط تصمیم گیری، همانطور که شعار مرگ بر روسیه را حذف کرد..." (۵).**

بسیار خوب، سؤال می شود: "مردم" ایران به چه حقی و به چه دلیل باید شعار "مرگ بر روسیه" سر دهند؟ آیا روسیه از همان ابتداء انقلاب مردمی ایران را به رسمیت نشناخت و راه خصومت با آن در پیش گرفت؟ آیا روسیه ایران را به طور دائم تهدید به حمله نظامی می کند؟ آیا روسیه ایران را تحریم و محاصره اقتصادی کرده است؟ آیا روسیه هیچ گاه برنامه ای برای تجزیه ایران تنظیم نموده و در رسانه ها مرتباً اعلام می کند: "همه گزینه ها روی میز است"؟ آیا روسیه گروه های تروریستی به داخل ایران می فرستد؟ آیا روسیه دانشمندان هسته ای ایران را ترور کرد؟ و... دروغبافی، نوکرمنشی و بردگی فکری جناب جلالپور به ترتیب آتی ادامه می یابد: **"تقریباً تمامی سلاح هائی که در این نزاع ها مصرف می شوند، روسی هستند. (به روایتی تعداد کلاشینکوف های داخل یمن از تعداد مردم آن بیشتر است!) پس اگر ایران سر به راه باشد این فروش بالای سلاح در کجا صورت بگیرد؟" (۶).**

آری، هر گاه که شرم و حیاء در کار نباشد، هر گاه خوراک فکری از آنسوی اقیانوسها رسیده باشد، خیلی بیشتر از اینها هم می توان دروغ بافت تا تحمیل فقط یک فقره تسلیحات امریکائی به مبلغ ۶۰ میلیارد دالر به عربستان سعودی، که چند برابر بیشتر از فروش سالانه تسلیحات روسیه است؛ تا بیش از چهار سال حملات جنون آمیز "ائتلاف عربی" به سردمداری عربستان سعودی و به فرماندهی امریکا به یمن و کشتار مردم بی دفاع، به ویژه کودکان آن، در پرده بماند؛ تا تحریم اقتصادی ایران به واسطه امپریالیسم امریکا و شرکاء و تهدیدات مستمر آنها به حمله نظامی به کشور ما موجه جلوه نماید...

با اکتفاء بر آنچه فوقاً ذکرش رفت، دیگر ضرورتی برای پاسخ به سایر نکات مرقومات آقای جلالپور احساس نمی کنم. چرا که **"اگر در خانه کس است، یک حرف بس است"**. بر این اساس، خلاصه می کنم: در مجموع تفکر حاکم بر مغز نویسنده مقاله و ناشر آن (سایت پیک ایران) چیزی نیست جز بسط و ترویج بردگی، منتها نه بردگی رزمنده، معترض و خواهان آزادی و آزادگی، بلکه، سخیفترین مظهر بردگی تسلیم طلب، سر به راه، گوش به فرمان و مطیع است که سر تعظیم بر آستان برده دار فرود آورده، به کرنش و ستایش در مقابل آن فخر می فروشد.

پیروان و مروجان این تفکر اگر چنانچه مستقیماً نوکران و جیره خواران امپریالیسم جهانی به سردمداری امپراتوری صهیونیستی-فاشیستی امریکا نباشند، به مصداق **"عمل و نتیجه عمل تنها معیار حقیقت است"**، می توان آنها را در ردیف نوکران فکری-ایدئولوژیک مطیع و سر به راه امپریالیسم طبقه بندی کرد.

با این اوصاف، روشن می شود که آقای احمد جلالپور نه از انسانیت بوئی برده، نه از فرهنگ غنی ایران زمین اثری در آنها مشاهده می شود: **"بنی آدم اعضای یک پیکراند..."** بلاهت، بیخردی، بیدانسی سیاسی او و ناشران افکار او در سایت "پیک ایران" مستدام باد!

کاش با بالا رفتن آگاهی، مردم ایران یک بلیط سفر یکطرفه برای آقای جلالپور و حامیان و هفکرانش در سایت "پیک ایران" به نزد آقایان جهان تهیه کند تا ایران نفس راحتی بکشد.

در پایان، یادآوری این نکته نیز خالی از لطف نیست، که بخش اعظم ایرانیان هنوز نمی دانند اسم سلاح صلح، سلاح دفاع در مقابل تهاجمات و تجاوزات استعماری -امپریالیستی **کلاشنیکوف** است، که به نام مخترع آن -زنده یاد **میخائیل کلاشنیکوف**، سرباز جنگ کبیر میهنی، سرلشکر و دکتر علوم فنی بعدی نامگذاری شده نه **کلاشینکوف** !

۱۴ اسفند -حوت ۱۳۹۷

مراجعات:

همه در مقاله سایت "پیک ایران":

<https://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=177232>